

بی شک یکی از هنرمندان شناخته شده و مطرح مشهد و خراسان است که هم کلامی با او درباره هنر جذابیت های خودش را دارد. او، علاوه بر تسلط بر چند شاخه هنری، در سخنوری هم چیره دست است، به ویژه وقتی بخواهد از هنر بگوید.

کاظم خراسانی (متولد ۱۳۵۵ در شهر فردوس) فارغ التحصیل رشته «پژوهش هنر» در مقطع دکتری است. خیلی ها او را به خوش نویسی و نقاشی خط می شناسند، اما خراسانی در چند شاخه هنری دیگر هم به صورت حرفه ای فعالیت می کند، از هنر های شهری گرفته تا گونه های حجمی، گرافیک و... خراسانی معتقد است در دوران معاصر این هنر های بین رشته ای هستند که سمت و سوی جریانات هنری را تغییر داده اند. گفت و گو با این هنرمند موفق که در بیش از ۶۰ جشنواره ملی و بین المللی حائز رتبه های برتر شده و آثارش را در ۱۱ کشور جهان به نمایش گذاشته بیش از یک ساعت به طول انجامید. او درباره وضعیت هنر در مشهد، گالری ها، نقاشی خط، هنر های شهری و حواشی جایزه ای که سال ۹۵ در جشنواره بین المللی هنر های تجسمی «فجر» گرفت سخن گفت. با این همه، محور اصلی گفت و گو با این هنرمند و مدرس دانشگاه یک خلأ بزرگ فرهنگی در مشهد، یعنی جای خالی آثار هنری در سید خانوار های مشهدی، بود. این مدرس دانشگاه همچنین از تجربیات زندگی در فرانسه و تفاوت های مشهد و پاریس روایت می کرد.

ملاک هایی برای لذت بردن از هنر

کاظم خراسانی معتقد است که هنر کلید فهم زندگی است. او بر این باور است که هنر در شهری همچون مشهد زوایا و ابعاد مختلفی دارد و، اگر قرار باشد درباره آن سخنی گفته شود، باید از چند منظر بررسی شود. به گفته این هنرمند، یکی از ابعاد مقوله هنر در مشهد عمومیت آن و ارتباطش با مردم است. او می گوید: «بخشی از عموم مردم این شهر خودشان یا از اهالی هنر هستند و یا با هنر در ارتباط اند.»

خراسانی می گوید: «ملاک های لذت بردن از هنر متفاوت است و باید همواره از خودمان بپرسیم عامه مردم چه ملاک هایی برای لذت بردن از هنر دارند؟! در همین شهر خیلی ها ممکن است هنرمند نباشند، اما هنر شناسان و هنر دوستان خوبی هستند.» او با تفکیک قائل شدن بین جنبه های عام و خاص هنر در مشهد می گوید در شهر مشهد تفاوت های بسیاری بین جنبه های خاص و عام هنر وجود دارد. خراسانی بر این باور است که هنر از جنبه خاصش در مشهد خیلی ضعیف است. این مدرس هنر تصریح می کند که یکی از عوامل اصلی ضعف هنر در مشهد نبود فرهنگ سازی است:

«نخستین چیزی که درباره هنر این شهر به نظر می رسد این است که در باب هنر برای عموم مردم فرهنگ سازی نشده است. در این شهر افراد متمول و ثروتمند بسیاری زندگی می کنند و تعداد ثروتمندان این شهر نسبت به سایر نقاط ایران بیشتر است. نگاه کنید به حجم بالای ساخت و ساز برج ها و ساختمان های لوکس مسکونی و تجاری، کارخانه ها و... اما همین اشخاص حاضر نیستند یک اثر هنری اور جینال را برای خانه یا دفتر کارشان بخرند.»

این هنرمند می گوید: «برخی فکر می کنند خریدن اثر هنری یک هزینه اضافه است. آن ها به هیچ وجه با خودشان فکر نمی کنند که اثر هنری مانند یک موجود زنده ارزشمند

است. اثر هنری روح دارد، چون نفس هنرمند در آن دمیده شده است. هیچ وقت نمی توانیم ارزش یک فرش دست بافت و جایگاه آن را همتای یک فرش ماشینی بدانیم. در فرش ماشینی هیچ خطایی نیست، در حالی که در فرش دست بافت ممکن است رج ها اختلاف زیادی باهم داشته باشند، اما چون نفس هنرمند در فرش دست بافت جاری است ارزشی به مراتب بالاتر از فرش ماشینی دارد.»

به گفته خراسانی، رونق اقتصاد هنر در مشهد و خرید آثار هنری از سوی مردم نیازمند فرهنگ سازی است: «من هنرمند تا چه اندازه می توانم در این فرهنگ سازی تأثیر بگذارم و نقش داشته باشم؟! من نهایتاً می توانم در کارگاهم کار کنم و یا کارهایم را در گالری ها ارائه دهم؛ پس فرصتی برای کار فرهنگ سازی ندارم. البته همین که آثارم را در نمایشگاهی ارائه می دهم و برای آن هم از جیب خودم هزینه می کنم این نوعی فرهنگ سازی است، هر چند قطره ای باشد در یک دریا. کار فرهنگ سازی را باید نهادها و متولیان فرهنگ و هنر انجام دهند، نهادهایی مثل حوزه هنری، ارشاد، انجمن های هنری و...»

اومی گوید: «کسی که می خواهد یک اثر هنری را به چند هزار تومان بخرد باید بداند که همان اثر هنری ممکن است چند سال بعد چند میلیون تومان ارزش پیدا کند. برای نهادینه شدن این فکر باید فرهنگ سازی شود، دقیقاً مثل کاری که مجموعه داران آثار هنری می کنند: برای مجموعه داران نام ها اهمیت دارد. آن ها تعداد زیادی کار می خردند تا چند سال بعد، به واسطه ارزش افزوده آثار، سود بیشتری نصیبشان شود.»

به نظر این هنرمند، از نظر وجود آثار هنری در سید خرید خانوار، مشهد فاصله بسیار زیادی با شهری همچون تهران دارد: «در مشهد یک اثر هنری به سختی ارائه و فروخته می شود. اگر چه ممکن است با برپایی یک نمایشگاه مخاطبان خاص هنر آثار را ببینند و حتی بخرند، البته به سختی، جانداختن این مسئله که خرید یک اثر هنری می تواند یک سرمایه گذاری بلندمدت باشد در بین عموم مردم و به ویژه اقشار متوسط جامعه کار بسیار سختی است.»

به گفته خراسانی، مشهد هنرمند زیاد دارد، اما شمار خریداران هنر در این شهر بسیار اندک است: «در این شهر یک ظرفیت بالفعل وجود دارد که هنرمند است و یک ظرفیت بالقوه که اشخاص متمول باشند. با فرهنگ سازی می شود فاصله میان این دو را کم کرد.»

این مدرس دانشگاه می گوید: «اینک در مشهد شاهد احداث گالری های خصوصی هستیم. می شود امیدوار بود که با تقویت این گالری های بخش از کار فرهنگ سازی انجام شود. رسانه ها هم می توانند در این زمینه کار کنند.»

سنگ هایی که به قطار در حال حرکت می زند

خراسانی درباره رونق هنر شهری مشهد در سال های اخیر نیز نظرات متفاوتی دارد. او معتقد است که در این سال ها شاهد اتفاقات خوبی بوده ایم که در نوع خود بسیار ارزشمند است: «البته باید بپذیریم که این امر نقص هایی نیز داشته است. به هر حال انجام دادن کارهای تازه هیچ وقت بدون نقص نیست، اما قطاری که حرکت نمی کند سنگ نمی خورد.»

او معتقد است وقتی از یک هنرمند یا یک اتفاق هنری انتقاد می شود معلوم است که مسیر دارد درست طی می شود. انتقاد از یک هنرمند، پس از موفقیتش در عرصه هنر، بیشتر می شود: «بسیاری از ما هنرمندان در طول زندگی شاهد این اتفاقات بوده ایم.

اینجا، هنر مشتری ندارد و یک خلأ فرهنگی بزرگ می گوید

همه این انتقادها نشان دهنده موفقیت یک فرد یا جریان است. اگر جایی از توصیف نشود، بدین معناست که هنوز نتوانسته ای حرکت کنی، مانند همان قطاری که حرکت نمی کند و سنگ هم نمی خورد.» به نظر خراسانی، همین که نقل این ماجرا در تاکسی و اتوبوس و مترو بین مردم دهان به دهان می چرخد به خودی خود یک اتفاق بزرگ و ارزشمند است.

مشهد تا پاریس چند دنیا فاصله است؟!

او که چند سال پیش برای یک کار مطالعاتی به کشور فرانسه سفر کرده بود درباره تفاوت دیدگاه های مردم ایران و فرانسه در باب مقوله فرهنگ و هنر سخن می گوید، به ویژه از تفاوت های اهالی مشهد و پاریس: «فرانسوی ها و به ویژه پاریسی ها اهمیت ویژه ای به هنر می دهند. شاید مساحت خانه های آن ها مانند خانه های مشهد زیاد نباشد، اما در هر خانه یک اثر هنری اور جینال می بینیم.»

خراسانی از موزه ها و گالری های پاریس حرف می زند که هر کدام از آن ها مملو از آثار متنوع هنری است. اما آنچه بیشتر به چشم او آمده مجسمه های

فیگوراتیور سنگی هستند که به قول خودش «نمایه بصری فرانسه» به شمار می روند: «در آن مدتی که پاریس بودم شاید بیش از ده هزار اثر را دیدم. طبیعتاً وقتی افرادی که در آنجا زندگی می کنند از ابتدای زندگی شان این همه اثر خوب می بینند ناخود آگاه سطح سواد و سلیقه بصری شان بالا می رود.» به گفته این هنرمند، در پاریس هنر و گردشگری مهم ترین منبع درآمد محسوب می شود؛ برای مثال برج ایفل، موزه ها و گالری های هنر از عوامل اصلی جذابیت های گردشگری در این شهر به شمار می روند.

او در پایان گفت و گو تلویحاً انتقاداتی را به سیستم آموزشی کشور وارد می کند. خراسانی معتقد است که آموزش و پرورش فقط یک پای مجرای فرهنگ سازی است: «در مدارس ما، در بیشتر اوقات، کسانی برای تدریس هنر انتخاب می شوند که شناختی از این مقوله ندارد؛ مثلاً معلم ریاضی هنر هم تدریس می کند؛ پس چطور می توانیم توقع داشته باشیم در نظام آموزش و پرورش ما کودک هنر را

بشناسد؟!»

در این شهر افراد متمول و ثروتمند بسیاری زندگی می کنند و تعداد ثروتمندان این شهر نسبت به سایر نقاط ایران بیشتر است. اما همین اشخاص حاضر نیستند یک اثر هنری اور جینال را برای خانه یا دفتر کارشان بخرند

بخشی از کشور که ما در مشهد با آن روبه ر هستیم آنجا اهمیت دربارۀ پاریس این است که مردمش از کودکی با هنر آشنا می شوند و در نتیجه مشکلاتی یک تفاوت مهم بین مشهد و پاریس است. در اینجا مسئول و متولی فرهنگ و هنر را برای متولیان هنر و افراد متمول معرفی کنیم! این نهادینه کنیم؟! یا فرهنگ سازی شود اثر هنر بر مردم و جامعه را نادیده بگیریم. در این شهر هنرمندان بیشتر با شکر و احترام درک و فهم ما را بیشتر می شنیدند و اندیشه شان درک نمی شود. هر قدر تعداد ما هنرمندان بیشتر باشیم، ناگاهای باعث هنرمندان نادر شوند تفکر و اندیشه هنری نیز همگیر تر می شود. این مشکل از درستی از هنر ندارند. است که فهم و شناخت